

آیا پاکستان بالاخره از سیاستهای ماجراجویانه خود درس خواهد گرفت؟

پاکستان، کشوری که شصت و شش سال قبل با برنامه ها و مقاصد معینی سیاستمداران توطئه گر، ولی دوراندیش انگلیسی از پیکر دو کشور همسایه فعلی آن، هند و افغانستان، جدا ساخته شد و به عنوان یک کشور مستقل موجودیت یافت، از همان روزهای اول پیدایش همه هم و غم خویش را بر سر دشمنی ای تا سرحد نابودی این دو همسایه قرار داد.

تصور سیاستمداران پاکستان در اینهمه سال همواره این بوده است که هر قدر این دو کشور متخاصم پنداری پاکستان با آشوب و ناآرامی و بی ثباتی و مشکل امنیتی - اقتصادی و تفرقه زبانی - سمتی - قومی دست به گریبان باشند، به همان اندازه از مخالفت و دشمنی و ایجاد درد سری که آن ها به تصور پاکستان قرار است برای این کشور ایجاد کنند، کاسته خواهد شد و در نتیجه پاکستان قادر خواهد گردید که همه اقدامات و برنامه های عمرانی و اصلاحی خویش را با خاطر آرام به منصفه ای ظهور برساند و به تقویت و استحکام هر چه بیشتر دست یابد.

با چنین اندیشه ای بی نهایت پست و شیطنانی، به جای این که همه امکانات و فرصت های مساعد را برای حل کشیدگی های موجود میان پاکستان و افغانستان از یکطرف و میان پاکستان و هند از طرف دیگر بکار ببرند و فضای سالمی را در منطقه بوجود بیاورند، روش های بسیار گستاخانه و منحطی تروریست پروری و دهشتگردی را برای بر هم زدن ثبات و امنیت هند و افغانستان پیش گرفتند. و راه حل هائی را انتخاب کردند که گذشته از ناراحتی های زیاد برای هند و افغانستان و بحرانی ساختن اوضاع منطقه و جهان بالاخره، و اینک، دامن گیر خود شان شد.

پاکستان امروز، در نوع ناآرامی هائی که در حال حاضر در آن وجود دارد، با اطمینان کامل میتوان گفت که بی ثبات ترین، ناآرام ترین و خطرناکترین کشور در جهان است.

زد و خورد های خونین اخیر میان گروه های مذهبی در شهر های اسلام آباد، راولپندی، لاهور، کراچی، کوئته، فیصل آباد، ملتان و چند شهر کشمیر پاکستان و بیشتر از بیست و پنج شهر خورد و بزرگ دیگر این کشور، که جدا از دزدی ها و اختطاف ها و آتش زدن ها و قتل ها و مافیا بازی ها و بمب گذاری ها و سائر اعمال جنائی و سیاسی همیشگی بدون وقفه در سرتاسر این کشور میباشند، شاید در هیچ کشوری جهان مثل و مانندی نداشته باشد.

در روز عاشورا، جمعه گذشته، تنها در شهر اسلام آباد بنا بر گزارش برخی روزنامه ها در نتیجه برخورد های مذهبی 23 نفر کشته و بیشتر از 45 نفر زخمی گردیده است. چنین ناآرامی و خشونت در روز های محرم در تاریخ پیدایش پاکستان هیچ وقت تجربه نشده است.

همه این رویداد های حیرت برانگیز، خشن، غیرانسانی و جنایتکارانه حاصل و نتیجه همان تفکرات و پلان های توطئه گرانه ای است که پاکستان برای بی ثبات ساختن هند و افغانستان از دهه ها بدینسو طراحی کرده بود و اینک دامن خود پاکستان را گرفته است. شکی نیست که در هند، بویژه در افغانستان، هرازگاهی بمبی منفجر میگردد و حمله انتحاری صورت میگیرد و طالب اینجا و آنجا راهی را میزند و ...، ولی دامنه چنین کارهای وحشیانه در این دو کشور در حال حاضر، با هر دیدی که به آن نگاه کنیم، به مراتب از ناآرامی های داخل پاکستان کمتر است. حتی در روز های غیر از محرم! در هند و افغانستان هیچگاهی تلفون های همراه به دلیل افزایش ناآرامی ها و برای قطع تماس میان آدم کشان و گروه های دهشت افکن و خرابکار قطع نگردیده است. چون چنان وضعیتی بحرانی و وخیمی که فعلاً در پاکستان بوجود آمده است، حتی در افغانستان، با همه ناآرامی هایی که طی چندین سال گذشته در آن وجود داشته، هرگز بوجود نیامده است. در پاکستان، اما، در بیشتر از سی شهر در هر چهار ایالت این کشور و کشمیر سه روز است که تلفون های همراه از کار افتاده است و قرار گزارش برخی از تلویزیون های این کشور، این اقدام دولت برای مدت نامعلومی امروز تمدید شده است. همچنان طی سه روزی که گذشت در بسیاری از شهر های بزرگ و مهم، جاهائیکه فتنه و آشوب و زد و خورد و خرابکاری ها از همه بیشتر بوده است، بر رفت و آمد مردم قیود وضع نموده اند.

و از آنجائیکه پولیس در تأمین امنیت و حفظ جان و مال مردم ناموفق بوده است، دولت نیروهای نظامی کشور را با همه ساز و برگ نظامی برای کمک به پولیس به خیابان ها فرستاده و هر لحظه از طریق رادیو و تلویزیون و لودسپیکر ها در کوچه و بازار از مردم خواسته میشود که بهتر است تا فرونشستن خشونت ها به خانه های شان بمانند. قوای نظامی برخی از نقاط مهم شهر اسلام آباد، راولپندی، ملتان و کویته را که از جمله ناآرام ترین شهرهای پاکستان طی سه روز گذشته بوده است، با همه امکانات دست داشته محاصره و جاده ها را مسدود ساخته است.

اوضاع پاکستان در حال حاضر چنان بحرانی است که چوهدری نثار وزیر داخله این کشور امروز در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: حادثه اسلام آباد سرتا سر پاکستان را به شکل بسیار ناگوار، خطرناک و نگران کننده بشورش در آورده است.

حادثه اسلام آباد زمانی رخ داد که راهپیمائی مردمان شیعه شهر اسلام آباد در روز دهم محرم، نزدیکی های نماز عصر، از محلی بنام "فواره چوک" عبور میکردند و افرادی از میان تماشاچیان بالای آن ها سنگ و کلوخ و بوظل های شیشه ای را پرتاب نمودند، و چند نفری هم با اسلحه بر روی آن ها آتش گشودند.

در جستارهایی که من در طول تاریخ پاکستان نموده ام، این اولین باری نیست که در این کشور زد و خورد میان فرقه های مذهبی رخ میدهد. پاکستان در گذشته هم محل چنین زد و خورد های دور از منطق و وحشیانه بوده است، بیشتر در بلوچستان، ولی زد و خورد های سه روز گذشته که بیشتر در شهر های اسلام آباد و راولپندی اتفاق افتاده است، در تاریخ پاکستان هیچ وقتی سابقه نداشته است.

قرار گزارش برخی از رسانه های این کشور تمام راه هائیکه به شهر راولپندی منتهی میگردند زیر کنترل نظامیان قرار دارند. دخول و خروج به/از شهر به مشکل و تنها به اجازه نظامیان صورت میگیرد.

در بسیاری از شهرها، بویژه در شهر های پنجاب، تمام سه شب گذشته صدای فیر گلوله شنیده میشود. و آشوب طلبان خشم آلود، با نعره ها و دهن های کف کرده مردم را می کشتند و وسائط نقلیه و مغازه ها و مارکیت ها و خانه ها و سائر دارائی های عامه را به آتش می کشیدند.

حملات چپاولگرانه ای تحریک طالبان پاکستانی به خانه های شیعیان و پیروان مذهب احمدی در فیصل آباد، و تصادمات مسلحانه و آتش زدن خانه ها و مغازه ها در منطقه لیاری کراچی جزئی از این خشونت های گسترده مذهبی - سیاسی در این کشور بود که قرار شکایت آسیب دیدگان، خود پولیس هم در این خشونت ها دست داشته است.

در ملتان هم، بعد از مظاهره پیروان فرقه چشتی، نظامیان فراخوانده شده اند. در جریان مظاهره مردم و سرکوب نظامیان، در این شهر هم، تعداد وسائط نقلیه، خانه ها، دکاکین و یکی دو مارکیت به آتش کشیده شده است. به یک مسجد آسیب رسیده و تعداد 13 نفر، بر طبق گزارشات، زخمی شده اند.

مردم در بسا نقاط پاکستان به این نظر هستند که کارهای که بنام مذهب در کشور صورت میگرد، چیز نوی نیست. آن ها میگویند: "تا زمانی که پاکستان به یک کشور سکیولار تبدیل نشود، ما هر روز شاهد این گونه حوادث خواهیم بود. از همه اولتر مقاصد مذموم مندرج در قانون اساسی و سائر قوانین پاکستان، باید حذف شوند. و بعد از آن دروس مکاتب را بر بنیاد تفکرات غیردینی قرار داده و شمولیت کودکان کمتر از یازده سال در مدارس دینی باید غیرقانونی اعلام گردد. تنها با این گونه اقدامات است که ذهن های پاک و معصومانه اطفال از اختلافات، اختلالات و خشونت های دینی پاک میماند و دامنه این گونه حوادث آهسته آهسته و به مرور زمان برچیده میشود.

رهبر جماعت اسلامی پاکستان، سید منور حسین، هم، با همه دینخوئی افراطی اش، در این خصوص به احزاب سیاسی - مذهبی پاکستان هشدار داده میگوید: "حال وقت آن رسیده است که برای سود مردم و کشور سیاست را از مذهب جدا کنیم." یعنی دست از حمایت افراطیون مذهبی برداریم و آن ها را بیشتر از پیش به افراطیت و آدم کشی بنام دین تشویق و ترغیب نکنیم.

چنین ضرورتی را امروز بیشترین مردم پاکستان شدیداً درک میکنند و از دولت میخواهند تا از سیاست های افراط گرایانه مذهبی خویش در داخل و خارج پاکستان دست بردارد. اما مثلی که در گوش های سیاستمداران، بویژه نظامیان آی. اس. آی. پاکستان، پنبه گذاشته، چشمان شان را با خون شسته و ذهن های شان را دیوان سحر کرده باشند.

از جانبی: در نتیجه همین سیاست های افراطی و مذموم پاکستان است که صادراتش طی سال های گذشته به شکل نگران کننده کاهش یافته است. اقتصادش پیوسته رو به خرابی می رود و فساد مالی که بر اساس گزارش "نیب"، دفتر حسابدگی ملی پاکستان، روزانه به میلیون ها دالر میرسد و بیشتر حکام دولت در آن دست دارند، به اوج خود رسیده است.

در این مورد اخیراً نواز شریف، صدراعظم پاکستان، طی بیانیه ای خطاب به مردم گفته است که اگر این کار ادامه پیدا کند، به سقوط نظام و نابودی پاکستان خواهد انجامد.

باوجود اینهمه بحران و مشکل و نگرانیها، پاکستان هنوز هم از اینگونه تشبثات تعصب آمیز، افراط گرایانه، جنگ طلبانه و از اینگونه تروریست پروریهای خویش درسی نگرفته است. و سیاستمداران دیوانه ای، مانند عمران خان میگویند: "تأسیس پاکستان نو از "خیبر پختونخواه" آغاز خواهد شد."

یعنی از جاییکه بنیادگراترین دینداران در آن جا ها بسر میبرند و تشکلات سازمان یافته ای را بوجود آورده اند و گذشته از بزرگ سالان متعصب از کودکان بی خبر از زمین و آسمان سربازگیری میکنند تا منطقه و جهان را بیشتر از پیش با خطر جنگ و ترور روبرو سازند. به عکس زیر که نمایانگر منتهای رذالت سیاستمداران - مذهبیون پاکستانی است، نگاه کنید:



جواب من در باره سؤالی که به شکل عنوان مطرح شده است، اینست که آره، هر دویدن ناسنجیده بالاخره افتیدن دارد!!